

بررسی حکم احرام از محاذی مواقیت، از منظر مذاهب اسلامی

محمدحسین درافشان *

چکیده

نخستین عمل در مناسک حج و عمره، احرام است. امام صادق علیه السلام فرمود: احرام از میقات‌های پنج‌گانه‌ای که رسول خدا معین کرده، انجام می‌شود. هر مسلمانی باید برای انجام مناسک حج مواقیت را بشناسد و از آنجا محرم شود؛ و در حریم یار بدون احرام نمی‌توان وارد شد؛ اما کسانی که به هر دلیلی نتوانند از مواقیت منصوص محرم شوند، آیا می‌توانند از محاذات میقات محرم شوند و به میقات نروند یا باید به محاذات هر میقات رسیدند، از همان‌جا محرم شوند؟ مشهور فقیهان امامیه و عامه و به اجماع آنها، احرام از محاذی مواقیت را احرام از خود مواقیت دانسته‌اند و میقاتیت را دخیل در حکم ندانسته‌اند. گرچه میقات بودن محاذی مسجد شجره از بین مواقیت اتفاقی است، ولی در بقیه مواقیت میقات بودن محاذات آنها اختلافی است و خود معرکه آرای فقیهان است؛ هرچند سیره مسلمین نیز این‌گونه نبوده است که حتماً به میقات بروند.

شناخت حکم احرام از محاذات مواقیت از دیرباز تاکنون فقیهان و مکلفین مذاهب اسلامی را با مشکلاتی مواجه ساخته است. بررسی اقوال و نظار فقهای مذاهب اسلامی و حدود و ثغور محاذات مواقیت و نیل به این مقصود، در سایه سار توصیف گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی، با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است. نتیجه اینکه موضوع در روایات محاذات است نه مسجد شجره و قیود در روایت ظهور در احترازیست ندارد و به قرینه وحدت سیاق حمل بر قیود غالبی خواهد شد و دیگر جایی برای تمسک به اصول باقی نمی‌ماند.

کلیدواژه‌ها: احرام، محاذات، مواقیت، مذاهب اسلامی.

* مدرس حوزه و دانشگاه؛ دکتری رشته مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب.

(mhdorafshan@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۳

مقدمه

کمال و نهایت حج و عمره، در احرام از مواقیب است. به اجماع فقها احرام باید در مکان‌هایی که شارع مقدس تعیین کرده، انجام پذیرد. فقهای امامیه بر این عقیده‌اند که احرام فقط در میقات منعقد می‌شود. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۹۱) بنابراین شناخت مواقیب مقدمه علمی برای احرام حج و عمره است؛ یعنی مقدمه امتثال تکلیف است. چه آنکه در واقع اگر حاجی مواقیب را نشناسد، نمی‌تواند تکلیف را امتثال کند؛ یعنی امتثال تکلیف متوقف بر آن مقدمه است و بدون آن، امتثال مقدور نیست. پس شناخت مواقیب، وجوب عقلی و شرعی طریقی است.

افرادی که منازلشان دورتر از مواقیب معروف پنجگانه است و در اصطلاح فقهی به آنان «نائی» گفته می‌شود، به هر عنوان که بخواهند وارد شهر مکه شوند، چه حج و چه عمره، نمی‌توانند بدون احرام از میقات یا محاذات آنها بگذرند و در صورت مرور از میقات، باید در آنجا احرام ببندند. بنابراین افراد «آفاقی» در حالت طبیعی از یکی از میقات‌های منصوص احرام می‌بندند. روشن است این میقات‌ها برای افرادی قرار داده شده است که از آنجا عبور کنند؛ اما اگر کسی به هر دلیلی از این میقات‌ها عبور نکند، حکم وجوب احرام از آن مواقیب بر وی تعلق نخواهد گرفت. اینان می‌توانند به محاذات مواقیب و هم‌راستای آنها بروند و از آنجا محرم شوند. به دیدگاه مشهور فقیهان، احرام از محاذی مواقیب، مثل احرام از اصل مواقیب است. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۱)

تبیین مفهوم برخی اصطلاحات

احرام

احرام: دو چادر نادوخته است که در ایام احرام یکی را لنگ و ته‌بند کنند و دیگری را بر دوش پوشند. (دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۱۰۸۲) الاحرام، مصدر اَحْرَمَ الرجل

يُحْرِمُ احراماً، اصل در احرام به معنای منع و محروم شدن است؛ گویا محرم با احرام بستن، از چیزهایی ممنوع شده است... (ابن منظور، ۲۰۰۳م، ج ۱۲، ص ۱۲۲؛ ابن اثیر، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۷۳)

از نظر اصطلاحی، ماهیت ترکیب یافته از پوشیدن دو جامه احرام، نیت و تلبیه. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۳) عمل مرکب از نیت و تلبیه. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق/۱۳۶۸م، ج ۱، ص ۵۲۷) آمادگی نفسانی بر ترک محرّمات تا پایان مناسک. (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۸۹) واقع ساختن تلبیه همزمان با نیت حج یا عمره، پوشیدن دو جامه احرام و واقع ساختن تلبیه مقارن با نیت. (نجفی، ۱۳۱۱/۱۸۹۴م، ج ۱۸، ص ۱۹۷-۱۹۹)

احرام در نظر مذهب حنفی عبارت است از: «نیت مناسک حج یا عمره به همراه ذکر (یعنی تلبیه) یا یک عمل ویژه‌ای که در واقع قائم مقام تلبیه است» و در مکتب فقهی شافعی عبارت است از: «دخول در مناسک (اعم از حج یا عمره) با نیت؛ ولو بدون تلبیه». (مروارید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۹۵)

محاذات

محاذات در لغت از حاذاه گرفته شده است؛ یعنی در ازای آن به جای آن، و حذاء به جای نزدیک گفته شده است. جاء الرجلان حذیتین، یعنی هرکدام از آنها در کنار یکدیگر آمدند و گفته شده حذوته احذوه حذوا و حاذیته محاذاة، یعنی موازی یکدیگر. (ابن منظور، ۲۰۰۳م، ج ۱۴، ص ۱۶۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۴۲) الحذو و الحذاء، یعنی به جای، در مقابل و حذاء الشيء در مقابل آن. (ابن اثیر، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۲۸؛ جوهری، ۱۴۰۷/۱۹۸۷م، ج ۶، ص ۴۳۱) محاذی یعنی روبه‌رو، رویارو، مقابل، موازی، روبه‌رو شونده و برابر. (معین، فرهنگ فارسی؛ عمید، فرهنگ فارسی عمید)

از نظر اصطلاحی، هرگاه مسافت میقات با محاذی آن به حرم یکی باشد، آن را محاذات و هم‌راستایی میقات گویند. ابن حجر گفته است: «محاذات آنچه در زمین،

در مقابل میقات است که حاجی یا معتمر در نظر می‌گیرد؛ بدون تمایل به جهتی». (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۵۵-۴۵۷) بدین جهت احرام از محاذات میقات نزدیک‌ترین امر به نصوص و مقاصد شریعت است؛ زیرا مقصود شریعت این است که این مقدار فاصله از مکه رعایت شود. (عراقی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۷) صاحب عروه علیه السلام می‌فرماید:

محاذات اقصر الخطوط است؛ یعنی کوتاه‌ترین فاصله‌ای که شخص با میقات می‌تواند داشته باشد؛ به عبارت دیگر وقتی به مکانی رسید که فاصله آن مکان تا میقات از بقیه مکان‌هایی که وی عبور می‌کند، کمتر می‌باشد، آنجا محاذات آن میقات می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، المحشی، ج ۴، ص ۶۳۵)

امام علیه السلام در تحریر الوسیله می‌فرماید:

مراد از محاذات، یمین و یسار میقات می‌باشد؛ به گونه‌ای که اگر از آن مکان به طرف مکه حرکت کند، میقات خلف قرار می‌گیرد. (خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۱۱)

اگر دو خط را در نظر بگیریم که یکدیگر را قطع می‌کنند و زاویه‌ای ۹۰ درجه تشکیل می‌دهند و یکی از آنها از مکه می‌گذرد و یکی از میقات، در این صورت اگر شخص مکلف در نقطه تقاطع به سمت مکه بایستد، در جایی ایستاده است که محاذی آن میقات است. معیار در این مسئله نیز صدق عرفی است و دقت عقلی لازم نیست. (سیستانی، ۲۰۰۴، ص ۴۱) بنابراین مقصود از محاذی میقات، آن جایی است که اگر انسان روبه‌روی کعبه معظمه بایستد، میقات در طرف راست یا چپ او قرار داشته باشد؛ به طوری که اگر از آنجا بگذرد، میقات تمایل به پشت سر او کند و در این تشخیص صدق عرفی کافی است و دقت عقلی لازم نیست.

ابن تیمیه در شرح العمدة می‌گوید:

احرام از محاذی میقات به منزله احرام از خود میقات است. وقتی فاصله محاذات به اندازه فاصله میقات است تا بیت‌الله الحرام، پس میقات خصوصیتی ندارد؛

چون رسیدن به خود میقات مشقت زیادی دارد. پس از محاذات محرم می شویم.

(ابن تیمیة، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۳۳۶)

میقات

میقات در اصل «مِوَقَات» بوده و واو، به جهت مکسور بودنِ میم، به یاء مبدل شده و میقات گشته است. معنای لغوی آن مصدر وقت است؛ یعنی وقت داشتن. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۸۵) «میقات»، زمان معین برای انجام کاری است که مجازاً بر مکان اطلاق شده است؛ مانند «مواقیت الحج»؛ یعنی مکان‌های معین که احرام حج در آن منعقد می‌گردد. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۷) کاربرد واژه میقات در مکان، به خاطر قرابت مفهومی آن با زمان (ابن منظور، ۲۰۰۳ م، ج ۲، ص ۱۰۷) یا به جهت کاربرد استعاره‌ای آن در مکان، به معنای لزوم امری در مکان مشخص است. (میقات حج، بهار ۱۳۷۴، ش ۱۱، ص ۲۹)

در اصطلاح فقه و حج، میقات اسم مکان در نظر گرفته شده است؛ یعنی مکان‌هایی که شارع مقدس آنها را برای احرام مشخص کرده است. مواقیت در اصطلاح عبارت است از: «مواضع و أزمنة معينة لعبادة مخصوصة»؛ «مکان و زمان معین برای عبادت خاص». (مرعی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۵ و ۲۹۶) پس می‌شود نتیجه گرفت که میقات، شامل اسم زمان و مکان است؛ یعنی زمان و مکان معین را در بر می‌گیرد و شاید بتوان گفت تعبیر صاحب جواهر رحمته الله در بحث مواقیت، تعبیر زیبا و جالبی است؛ آنجا که می‌فرماید: «مواقیت جمع میقات است و مراد از کلمه میقات، در بحث حج، حقیقتاً یا مجازاً، اماکن خاص است». (نجفی، ۱۳۱۱ هـ، ج ۱۸، ص ۱۰۲)

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که میقات بر دو قسم است: «میقات زمانی و میقات مکانی». میقات زمانی ماه‌های شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه، از ابتدای آن تا پیش از ظهر روز عرفه (نهم ذی‌حجه)، تعیین گردیده است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق/ ۱۳۶۸ م، ج ۱، ص ۵۰۹) و میقات مکانی، میقات کسانی که مسکنشان، از مکه معظمه،

بیش از شانزده فرسخ فاصله دارد و دیگری اذنی الحل، برای کسانی است که داخل مکه هستند و می‌خواهند عمره مفرده به جا آورند. این افراد می‌توانند از حدود حرم خارج شده و در اولین نقطه حل، مُحرم گردند. (حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۶۵) بنابراین مقصود ما از میقات در این مقاله میقات مکانی است. اقوال فقها در احرام از محاذات بدین شرح است:

فائین به جواز احرام از محاذات مواقیب

۱. از منظر امامیه

شیخ طوسی نخستین فقیه امامیه است که مسئله محاذات مواقیب را عنوان کرده و آن را پذیرفته است. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۳) برخی جواز صحت احرام در محاذات را به حالت ضرورت اختصاص داده‌اند. (فاضل آبی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۵؛ سیستانی، ۱۴۳۷، ج ۱، ص ۵۴۶) ولی دیگران به طور مطلق آن را پذیرفته‌اند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۹۲۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۱۶؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۱) و برخی بر نیز صحت احرام از محاذات تصریح کرده‌اند؛ تا آنجا که قائل به وجود شهرت بین فقها در اصل صحت احرام از محاذات مسجد شجره شده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۵؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۷؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۳۷۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۹۴)

بنابراین در اصل جواز احرام از محاذات، میان همه فقهای امامیه اجماع وجود دارد. ظاهر کلام عده‌ای از اصحاب این است که علم به محاذات لازم نیست و گمان به محاذات کفایت می‌کند؛ ولی «احتیاط این است که از میقات عبور کند و از آن تجاوز نکند». (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۵۱-۴۵۲)

مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید: «تا دسترسی به میقات دارد، احتیاط این است که به میقات برود». (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۱۷) از تعبیر «تبعاً للمقول» در کلام

مرحوم صاحب جواهر استفاده می‌شود که مرحوم صاحب مدارک پیروانی دارد؛ ولی معلوم نیست کسی فتوا داده باشد که همه باید میقات بروند (موسوی عاملی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۸) و کسی که بر هیچ یک از مواقیع عبور نمی‌کند، جایز است از محاذات یکی از مواقیع محرم شود و اگر در مسیر دو میقات قرار داشته باشد، بنا بر احتیاط واجب از محاذاتی که دورتر است، محرم شود و بهتر این است که در میقات دیگری تجدید احرام کند. (خمینی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۸۹) مثلاً اگر از مسیر محاذی خط مسجد شجره و جحفه می‌آید و ابتدا به محاذات شجره می‌رسد، احتیاط و جویبی این است که از محاذات شجره محرم شود. این مسئله دارای دو فرع است:

فرع اول: آیا واجب است همه از مواقیع محرم شوند یا محاذات هم جایز است؛ حتی عند القدرة والاستطاعة؟ مشهور میان شیعه، شاید نزدیک به اجماع، جواز احرام از محاذات است؛ ولو عند القدرة والاستطاعة.

فرع دوم: اگر از محاذات دو میقات عبور می‌کند (مثلاً محاذات شجره و جحفه) یا از محاذات سه میقات عبور می‌کند (مثلاً شجره و جحفه و عقیق) در این صورت آیا واجب است از محاذات میقات اول یا از محاذات میقات دوم محرم شود یا مخیر است؟ سه احتمال وجود دارد، اما مرحوم صاحب کشف اللثام کلامی دارد که تقریباً جامع تمام اقوال است: اگر حاجی در مسیر مکه به هیچ یک از مواقیع برخورد نکرد، به محاذات نزدیک‌ترین میقات به مکه محرم می‌شود؛ چنان‌که در شرایع گزارش شده است؛ به دلیل اصل برائت از خود میقات. (فاضل هندی، ۱۳۹۳ش، ج ۷، ص ۲۱۵) (با برائت دو چیز را ثابت می‌کند: نه لازم است به میقات برود و نه لازم است از ابعده محرم شود) و أطلق ابن ادریس أنه إذا حاذی أحد المواقیع أحرم (که ظاهرش تخییر است؛ چون ندارد که از اولی باشد یا دوّمی) و اعتبر فی المبسوط أقرب المواقیع إليه (نزدیک‌ترین میقات به خود شخص، یعنی از دورترین میقات نسبت به مکه محرم شود) وهو خیرة المنتهی. (فاضل هندی، ۱۳۹۳ش، ج ۷، ص ۲۱۵)

مرحوم امام علیه السلام فرموده است: «اگر در مسیر مکه دو میقات باشد، بنا بر احتیاط واجب باید از محاذات میقاتی که نسبت به مکه دورتر است، محرم شود». (خمینی، ۱۳۹۳ش، ص ۶۵)

فقها در فتاوی خود می‌فرمایند: «هرگاه از راهی برود که از هیچ یک از میقات‌ها عبور نکند، باید از محاذات میقات احرام ببندد؛ هرچند در مسیر خود به محاذی میقات دیگری نیز برخورد کند. بلکه اگر میقات دیگری در پیش داشته باشد نیز تأخیر احرام تا آن میقات جایز نیست».

آیت‌الله سیستانی: «در هر دو فرض مخیر است از هر کدام محرم شود؛ گرچه احتیاط مستحب، احرام از محاذی اولی است».

آیت‌الله فاضل: «در فرض اخیر، تأخیر احرام تا میقاتی که در پیش دارد، جایز است؛ اگرچه احتیاط مستحب، احرام از محاذی اول است».

آیت‌الله بهجت: «اقرّب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفه برای احرام از جحفه اختیاراً». (موسوی شاهرودی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۹)

کسی که بخواهد بدون احرام از محاذات میقات عبور کند، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست؛ اگرچه میقات دیگری در پیش باشد (آیات عظام: امام خمینی علیه السلام، خوبی علیه السلام، تبریزی علیه السلام، مکارم و نوری). (همانجا، ص ۳۹) نباید بدون احرام از محاذی گذر کند. (آیات عظام: گلپایگانی علیه السلام، صافی و سبحانی) البته اگر به هیچ یک از میقات‌ها عبورش نیفتد (آیت‌الله خامنه‌ای). (همو، ۱۴۲۸ق، ص ۴۲)

۲. از منظر عامه

مبدأ محاذات در مواقیف محل اتفاق همه اصحاب عامه است. فقهای عامه تصریح دارند بر اینکه اگر کسی به یکی از مواقیف پنجگانه مرور نکرد، از محاذات آنها محرم شود؛ این اجماعی است. اما اگر از میقاتی عبور کرد، جایز نیست در محاذات میقات دیگر محرم شود. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۴۵؛ نووی، ۲۰۱۰م، ج ۷،

ص ۱۹۸؛ ابن تیمیة، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۳۶) تنها ابن حزم ظاهری با این قول مخالفت کرده و گفته است:

اگر کسی مسیرش از میقات نبود، از هر کجا خواست، محرم شود...؛ زیرا کسی که از یکی از مواقیع پنجگانه منصوص عبور نمی کند، داخل در قول پیامبر ﷺ می شود که فرمود: «و من كان دون ذلك فمن حيث انشأ». (ابن حزم، ۲۰۱۰م، ج ۷، ص ۷۱)

این دلیل درست نیست؛ زیرا حدیث، قبل از مواقیع را می گوید و کسی که از محاذات مواقیع عبور می کند، دون المواقیع نیست. اما دلیل دیگری که برای جواز احرام از محاذات استدلال کرده اند، بخاری از ابن عمر نقل کرده است: «انظروا حدوها من طریقکم» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۴۶)؛ یعنی عمر خواسته ذات عرق را محاذات میقات قرار دهد و آن محاذات قرن المنازل است.

قائلین به عدم جواز احرام از محاذات

۱. از منظر امامیه

اگر از مسیری می رویم که در آن میقات وجود ندارد، آیا می توانیم در حال اختیار از محاذات میقات محرم شویم و به میقات نرویم؟! صاحب حدائق می فرماید: «شما می دانید که مورد روایت، مسجد شجره است حکم سایر مواقیع را بر مسجد شجره حمل کردن خالی از اشکال نیست». (بحرانی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۴۵۲) از این عبارت نیز، مانند عبارت محقق اردبیلی، همان دو مطلب استفاده می شود.

صاحب مدارک با احرام از محاذات مواقیع مخالفت کرده و آن را خلاف احتیاط دانسته است. (موسوی عاملی، ۱۳۶۹ش، ج ۷، ص ۱۸۸)

آیت الله شیخ جواد تبریزی در مناسک حج خود می فرماید:

کسی که یک ماه یا بیشتر در مدینه مانده و می خواهد از راه غیر مدینه به مکه برود، وقتی در شش مایلی مدینه قرار گرفت، محاذی مسجد شجره است، از

همان محل محرم می‌شود و اینکه بخواهیم این ملاک را به مواقیت دیگر سرایت بدهیم و در آنها جاری سازیم، محل اشکال است.

ولی بعد می‌فرماید: «بعید نیست بگوییم اگر فاصله کم باشد، از محاذات دیگر مواقیت هم بتوان محرم شد». (تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۶)

آیت‌الله وحید خراسانی می‌فرماید:

کسی که به طرف مکه می‌رود، به محاذات مسجد شجره رسید، از آنجا می‌تواند محرم شود؛ اما نسبت به تعدی از محاذات مسجد شجره به محاذات دیگر مواقیت، به جهت اینکه مورد نص فقط مسجد شجره را ذکر نموده است، محل اشکال است و نمی‌توان فتوا داد. (وحید خراسانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۵)

۲. از منظر عامه

تنها ابن حزم ظاهری، با قول به جواز احرام از محاذات، مخالفت کرده و گفته است: «اگر کسی مسیرش از میقات نبود، از هر کجا خواست، محرم شود». (ابن حزم، ۲۰۱۰م، ج ۷، ص ۷۱) ابن حزم در المحلی می‌گوید:

همه امت به طور یقین اجماع دارند بر اینکه کسی که از هیچ یک از مواقیت عبور نمی‌کند، لازم نیست قبل از محاذات میقات محرم شود؛ اما اختلاف در این است که وقتی به محاذات میقات رسید، بعضی می‌گویند لازم است از محاذات محرم شود و برخی می‌گویند لازم نیست. (همو، ۲۰۱۰م، ج ۷، ص ۷۳)

معلوم می‌شود علمای عامه اجماع دارند که عبور از میقات بر همه لازم نیست.

فائین به تفصیل در احرام از محاذات

۱. از منظر امامیه

در احرام از محاذات مواقیت، دو قول است:

۱. اکثر فقها معتقدند که احرام از محاذات همه مواقیت جایز است. هر چند از

برخی از عبارات فقها فهمیده می‌شود که این به طور مطلق صحیح نیست.

۲. احرام از محاذات غیر مسجد شجره باطل است. محقق اردبیلی درباره احرام از محاذات مسجد شجره می‌فرماید:

احتمال دارد حکم احرام از محاذات به کسی اختصاص داشته باشد که داخل در مدینه شده و یک ماه و اندی در آنجا مانده باشد؛ از ظاهر روایت «عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله عليه السلام قال: مَنْ أَقَامَ بِالْمَدِينَةِ شَهْرًا وَهُوَ يُرِيدُ الْحَجَّ ثُمَّ بَدَأَ لَهُ أَنْ يَخْرُجَ فِي غَيْرِ طَرِيقِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ - الَّذِي يَأْخُذُونَهُ فَلْيَكُنْ إِحْرَامُهُ مِنْ مَسِيرَةِ سَنَةِ أَمْيَالٍ فَيَكُونُ حِذَاءَ الشَّجَرَةِ مِنَ الْبَيْدَاءِ» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۳۱۸) چنین به نظر می‌رسد. (محقق اردبیلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۸۶)

از این عبارت دو مطلب به دست می‌آید یکی جواز احرام از محاذات مسجد شجره و دیگری عدم جواز احرام از محاذات سایر مواقیت. در نتیجه در فرع اول، ایشان هم موافق‌اند و قائل به جواز.

آیت‌الله خویی رحمته الله می‌فرماید:

ظاهراً این است که باید به مورد روایت اکتفا کرد؛ چون احرام در محاذات برخلاف قاعده است و از این قیود و خصوصیات نمی‌توان دست برداشت؛ زیرا امام این قیود را به نحو قضیه حقیقیه بیان فرموده و بعید است که بتوان بر مجرد مثال حمل کرد. (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۷۰)

از این عبارت هم استفاده می‌شود که محاذات شجره کافی است؛ اما در غیر شجره، چون حکم خلاف قاعده است، احرام از محاذات کافی نیست. صاحب مدارک، که شاگرد محقق اردبیلی است، و مرحوم سبزواری در ذخیره قائل به عدم جواز هستند. (سبزواری، ۲۰۱۶م، ج ۶، ص ۲۱۷؛ موسوی عاملی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۹۹)

۲. از منظر عامه

میان علمای عامه، کسی در احرام از محاذات قائل به تفصیل بین میقات‌ها یا بین محاذی شجره با میقات‌های دیگر نشده یا نگارنده پیدا نکرده است.

ادله و مبانی احرام از محاذات مواقیت

ادله قول به جواز احرام از محاذات

۱. ادله امامیه

برای جواز احرام از مطلق محاذی، پنج دلیل اقامه شده است:

(الف) روایات: صحیحه ابن سنان

(ب) اجماع

(ج) شهرت بین فقها

(د) قاعده لاجرح

(ه) اصل برائت (عدم وجوب رفتن به مواقیت دیگر)

(الف) روایات

از نظر روایات، در اینجا معضلی است و آن اینکه در باب اول از ابواب مواقیت در وسائل الشیعه، روایات زیادی است که امام صادق علیه السلام می فرماید: «وَقَدْ رَسُولَ اللَّهِ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ الشَّجْرَةَ وَ...». (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۲۲۳) مطابق این روایات، همه باید سراغ مواقیت بروند و روایات در این مورد متضاد یا متواتر است.

طبق این روایات پیامبر صلی الله علیه و آله با صراحت میقات تعیین کرده است و با وجود آن نمی توان سراغ محاذات رفت و چه بسا مرحوم صاحب مدارک و صاحب حدائق با توجه به این روایات احتیاط کرده اند. (موسوی عاملی، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۱۹۹)

ما دو حدیث در مورد محاذات داریم که در واقع یک حدیث است؛ چراکه راوی و مروی عنه و مضمون یکی است:

عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله عليه السلام قال: من أقام بالمدينة شهراً وهو يريد الحج ثم بداله أن يخرج في غير طريق أهل المدينة (شاید نزدیک تر بوده یا خلوت تر بوده است) الذي يأخذونه فليكن إحرامه من مسيرة ستة أميال فيكون حذاء الشجرة

من البیداء (مسجد شجره تا خود مدینه شش میل است. بنابراین از جاده دیگر هم وقتی به شش میلی رسیدی، به محاذات شجره رسیده‌ای و از آنجا محرم شو). (همو، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۳۱۸)

اشکالی که به این حدیث وارد شده، این است که این روایت فقط مسجد شجره را می‌گوید و مرحوم صاحب حدائق هم به آن اشاره دارد؛ ولی با الغای خصوصیت نسبت به غیر مسجد شجره می‌پذیرد.

روایت ابن سنان می‌گوید: از محاذات محرم شو؛ وقتی از مثل منطقه بیدا می‌روی و دو محاذات (محاذات شجره و محاذات جحفه) در پیش رو داری، از محاذات دورترین محرم شو. بنابراین باید از دورترین محرم شود و بدون احرام عبور نکند. عن عبدالله بن سنان، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: من أقام بالمدينة وهو يريد الحج شهراً أو نحوه ثم بدله أن يخرج في غير طريق المدينة فإذا كان حذاء الشجرة والبیداء مسيرة ستة أميال فليحرم منها. (همانجا) ظاهراً همان روایت قبل است.

امام به عبدالله بن سنان فرمود: به شش مایلی مدینه که رسیدی، از آنجا محرم شو؛ چون محاذات شجره است. (همانجا) نشان‌دهنده این است که واجب تعیینی است. با وجود این دلیل، جایی برای احتیاط و جوبی نیست؛ همان‌گونه که مرحوم امام علیه السلام فرمود. (خمینی، ۱۳۹۳ش، ص ۶۵) بلکه جای فتواست.

بنابراین، صحیحه ابن سنان دلیل بر میقاتیت محاذات است؛ اینکه حضرت می‌فرماید: این شخص از محاذات شجره محرم شود - چه شجره را اقرب المواقیت الی طریق شجره بگیرد چه ابعدها - معنایش این است که همان‌طور که شجره میقات است، این محاذات هم میقات است. پس دو مطلب از صحیحه استفاده می‌شود: اولاً جایز است از این مکان محرم شد و ثانیاً این نقطه یا از نظر حکم یا موضوع میقات است. در نتیجه اگر این مکان میقات باشد، لازمه‌اش این است که عبور از این میقات بدون احرام حرام است.

از آنچه بیان کردیم، فساد کلام بعضی که گفته‌اند بر عبور از محاذی، عبور از

میقات صدق نمی‌کند، روشن شد؛ زیرا لازمه صحیحه این است که محاذات هم میقات است؛ پس فرقی بین عبور از میقات شجره و محاذات شجره وجود ندارد؛ زیرا هر دو میقات هستند.

فراتر از این، در جاهایی که میقات بعید است، به طریق اولی رفتن به محاذات جایز است؛ چون این شخص که می‌توانست از شجره محرم شود و بعد، از هر طریقی خواست برود، امام به او نفرمود که از شجره محرم شو. پس دیگران که دور از میقات هستند، به طریق اولی می‌توانند از محاذات محرم شوند (اگر نگوییم قاعده اولویت دلیل جداگانه‌ای است).

(ب) اجماع

صاحب مستند می‌فرماید: «همان‌گونه که از محاذات میقات مسجد شجره می‌توان محرم شد، از محاذات سایر مواقیت نیز، به واسطه اجماع، می‌توان محرم شد».

(نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۸۸)

همچنین سیره مسلمین بر این بوده که از محاذات مواقیت محرم می‌شدند و همه به رفتن به مواقیت خمسّه مقید نبوده‌اند و برخلاف سیره مسلمین نمی‌توان گفت همه باید به مواقیت بروند.

(ج) شهرت بین فقها

برخی از علمای امامیه بر صحت احرام از محاذات تصریح کرده‌اند؛ تا آنجا که مثل مرحوم نراقی ادعای شهرت را به برخی از فقها نسبت داده و می‌گوید: «بل نسبة بعضهم إلى الشهرة العظيمة» (همو، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۷) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۱۷) همچنین مرحوم حکیم (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۸، ص ۲۷۱)، قائل به وجود شهرت بین فقها در اصل صحت احرام از محاذات میقات شده‌اند.

اگر کسی به هر دلیلی از این میقات‌ها عبور نکند، حکم وجوب احرام از آن مواقیت بر وی تعلق نخواهد گرفت. اینان می‌توانند به محاذات مواقیت و هم‌راستای

آنها بروند و از محاذات آن مواقیت محرم شوند؛ پس به دیدگاه مشهور فقیهان، احرام از محاذی مواقیت، مثل احرام از اصل مواقیت است. (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۱؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۳)

د) قاعده لاجرج

صاحب ریاض فرموده است: «لانتفاء العسر و الحرج» (طباطبایی، ۱۳۷۹ش، ج ۶، ص ۱۴۶) و در جایی دیگر فرموده است: «ولو حج إلى الطريق لا يفضي إلى أحد المواقیت... سيما مع اعتضادها بالاصل، ونفي الحرج في الشريعة، والشهرة العظيمة في الجملة، إذ لم نجد مخالفا في المسألة». (همو، ۱۳۷۹ش، ج ۶، ص ۱۹۴)

طبق این قاعده، آنچه از آیه «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (ما در دین برای شما [حکم یا فعل]ی که مستلزم مشقت شدید باشد، قرار نداده‌ایم) (حج: ۷۷). استفاده می‌شود این است که رفتن به میقات برای عده‌ای مشقت دارد. بنابراین می‌توانند از محاذات میقات محرم شوند. این آیه مهم‌ترین دلیل و مبنا در قاعده لاجرج است. همچنین از آیات ذیل:

﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾ (مائده: ۹)

خدا اراده نکرده که بر شما سختی و حرج قرار دهد.

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (بقره: ۱۸۵)

خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته.

به ضمیمه روایات و کلمات فقها استفاده می‌شود که الزام کردن مکلف به یک حکم تکلیفی، که در آن سختی و عسر و حرج باشد، در شرع مقدس اسلام نفی شده است و موضوع در این قاعده، هر فعل یا ترک فعلی است که در آن حرج و شدت و سختی برای مکلف داشته باشد و محمول این قاعده نفی حکم الزامی است. بنابراین رفتن به میقات برای مکلفین مشقت و سختی دارد.

ه) اصل برائت

یکی از ادله‌ای که در اینجا به آن تمسک شده، اصل است، باید دید مقتضای

این اصل در کلمات فقها چیست؟ فقها می‌فرمایند: اصل، برائت از احرام از میقات است؛ بدین بیان که شک داریم آیا برای احرام بستن به مواقیب باید رجوع کرد و مسافتی بیشتر از محاذات را باید طی کرد یا همان میزان کفایت می‌کند، اصل عدم رجوع به زیادتر است.

صاحب جواهر در کتاب خود فرموده است:

اگر طریقی از طرق به مکه، دو میقات دارد، مثلاً میقات اولی شجره و میقات دومی جحفه است، در اینکه از محاذی کدام میقات محرم شود، مورد اختلاف است، میقات اول یا ثانی یا اینکه مخیر است و دیگر اینکه اگر از طریقی حج رفت که به یکی از مواقیب برخورد نداشت (گفته شده گوینده آن هم جمعی از اصحاب هستند، چنانچه در مدارک هم آمده) (موسوی عاملی، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۱۹۰) وقتی گمان کرد به محاذات نزدیک‌ترین میقات به مکه رسیده، از همان جا محرم می‌شود. چون اصل برائت از رفتن به میقات یا احرام از دورترین محاذات به مکه است. (نجفی، ۱۳۱۱ق، ج ۱۸، ص ۱۱۵)

صاحب ریاض نیز به اصل برائت تمسک کرده، می‌فرماید:

اگر شخص از طریقی می‌رود که در آن طریق میقاتی وجود ندارد و محاذات میقاتی هم نیست، مانند کسی که از دریا مسافرت می‌کند، وظیفه او چیست؟ در نزدیک‌ترین محاذات در مسیرش محرم می‌شود، به دلیل برائت از رفتن به میقات و دیگر به واسطه نصوصی که وارد شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۹ش، ج ۶، ص ۱۶۹)

امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله می‌فرماید: «ولو كان في الطريق ميقاتان يجب الاحرام من محاذة ابعدهما إلى مكة على الأحوط». (خمینی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۸۹) صاحب تفصیل الشریعة می‌فرماید: «ادله‌ای که بر کلام مرحوم امام دلالت دارد، که معتقد است باید ابعد انتخاب شود، یکی اصل است و دیگری روایت عبدالله بن سنان». (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۶۱)

بعضی مثل مرحوم فاضل هندی، صاحب کشف اللثام، می‌فرمایند: «به میقات رفتن واجب نیست، بلکه در نزدیک‌ترین محاذات میقات به مکه محرم شود؛ زیرا اصل، برائت از رفتن به میقات است». (فاضل هندی، ۱۳۹۳ش، ج ۷، ص ۲۱۵)

۲. ادله عامه

خلاصه دلایلی که علمای اهل سنت اقامه کرده‌اند، سه دلیل بر جواز احرام بیان کرده‌اند:

الف) روایات

یکی روایتی است که از عمر بن خطاب گزارش رسیده است. ابن عمر گزارش کرده که وقتی کوفه و بصره فتح شد، عده‌ای نزد عمر آمدند و گفتند: «پیامبر ﷺ برای اهل جده قرن المنازل را مشخص کرده‌اند و این راه برای ما خیلی دور است و اگر بخواهیم از قرن محرم شویم، برای ما مشقت دارد». عمر گفت: «انظروا حذوها!» «بروید از محاذاتش محرم شوید». پس ذات عرق را برای آنها مشخص کرد. (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱۴، ص ۲۲۸)

ابن قدامه از علمای حنبلی می‌گوید: «کسی که از طریقی به مکه می‌رود که بین دو میقات است، او باید سعی کند تا به محاذات میقاتی که طریقتش به مکه نزدیک‌تر است، از آنجا محرم شود». دلیلی هم می‌آورد که اهل عراق به عمر گفتند: «قرن از راه ما دور است». خلیفه در جواب گفت: «از محاذات آن محرم شوید». لذا ذات عرق را میقات قرار داد. (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱۹)

دیگری روایاتی است که می‌گویند از دو مرحله نباید بدون احرام رد شد. فقهای شافعیه گفته‌اند:

کسی که از مسیری عبور کند که نه به میقات و نه به محاذاتی برخورد کند، اصحاب ما (عامه) می‌گویند باید از دو مرحله مانده به مکه محرم شود؛ به جهت توقیتی که از عمر گزارش شده است. (رافعی القزوی، بی‌تا، ج ۷، ص ۸۸؛ نووی، ۲۰۱۰م، ج ۷، ص ۱۹۸)

رافعی قزوینی در کتاب خود از غزالی در الوجیز چنین نقل نموده است:

اگر کسی محاذات میقاتی قرار گرفت، میقات او همان محاذات میقات است؛ زیرا منظور دور بودن از مکه است و اگر از مسیری آمد که محاذی میقاتی نبود و عبور از میقات یا محاذی آن هم نداشت، از دو مرحله مانده به مکه باید محرم شود؛ چون این کمترین مسافت به مواقیب است و آن ذات عرق است که از مکه دو مرحله فاصله دارد. (رافعی القزوینی، بی تا، ج ۷، ص ۷۰)

در مقام جواب باید گفت: این مربوط به کسی است که «مَرَّ عَلَى مِيقَاتٍ وَ لَمْ يَحْرَمْ». در اینجا فتوایشان این است که از دو مرحله مانده به مکه احرام ببندد؛ مرحله مسافت یک روز مسافر، آن زمان است که چهار فرسخ باشد؛ دو مرحله در حدود هشت فرسخ می شود. در حقیقت آنها می گویند از دو مرحله مکه احرام ببندند و دلیلی که برای آن اقامه کرده اند، بسیار ضعیف است: اولاً گفته اند عمر بن خطاب از ذات العرق احرام بست و ذات العرق تا مکه دو مرحله است و ذات العرق میقات نیست؛ ثانیاً ذات العرق خودش میقات عراقی هاست. گاهی دلیل آورده اند بر اینکه در روایات داریم کسی حق ندارد بدون احرام وارد حرم بشود، تمسک به این روایات کرده اند که کسی حق ندارد از دو مرحله مانده به مکه بدون احرام وارد حرم شود. ما می گوئیم هر چند این مسئله مسلم است، ولی مربوط به کسی است که از میقات عبور کرده، می گویند هنگامی که به دو مرحله مکه رسید، حتماً باید احرام ببندد. چنین شخصی بدون احرام وارد شود، گناه کرده است و این ناظر به کسی است که: «مَرَّ عَلَى الْمِيقَاتِ وَ لَمْ يَحْرَمْ»، چنین آدمی باید از دو مرحله ای احرام ببندد؛ اما مسئله ما جایی است که: «لَمْ يَمَرَّ عَلَى مِيقَاتٍ وَ مَا يَحْذِيهِ».

جناب رافعی در عبارت فوق معتقد است چون فاصله بین میقات و مکه دو مرحله است، پس این فرد هم باید از دو مرحله احرام ببندد. اما در پاسخ می توان گفت: این حرف صحیح نیست. چون می گوئید فاصله آن مرحله تا مکه از نزدیک ترین میقات دو مرحله است. این دلیل نمی شود که از آنجا احرام ببندد؛ بلکه باید برگردد و از دورترین میقات احرام ببندد.

ب) اجماع

ابن حزم در المحلی ادعای اجماع کرده که عبور از میقات بر همه لازم نیست. بنابراین از محاذات هم می‌توان محرم شد: «جميع الأمة مجمعون اجماعاً يقينياً...» (ابن حزم، ۲۰۱۰م، ج ۷، ص ۷۳) معلوم می‌شود علمای عامه اجماع دارند که عبور از میقات بر همه لازم نیست؛ ولی در اصل جواز احرام از محاذات اختلافی ندارند.

ج) استحسان

رافعی در شرح الکبیر خود می‌گوید: «فانه اقل المواقیت وهو ذات عرق إنها کان یحسن ان لو کانت ذات عرق اقل مسافة من کل ما سواها من المواقیت لکن قد مر ان ذات عرق مع یملم وقرن متساویة فی المسافة». (رافعی القزوینی، بی‌تا، ج ۷، ص ۸۸) چون فاصله اقل مواقیت تا مکه دو مرحله است، پس این آدم هم از دو مرحله مانده به مکه احرام ببندد که ذات عرق باشد و این امر استحسان دارد؛ چون مسافت کمتری تا مکه محسوب می‌شود.

ادله قول به عدم جواز احرام از محاذات

۱. ادله امامیه

برخی از فقها می‌فرمایند: دلیل بر جواز احرام از محاذات غیر مسجد شجره نداریم و صحیحه عبدالله بن سنان هم اختصاص به جواز احرام از محاذات مسجد شجره دارد؛ نه مطلق مواقیت. براین مطلب، چهار دلیل ارائه کرده‌اند:

الف) منحصر دانستن احرام در مواقیت منصوص

به استناد روایات فراوانی، از جمله صحیحه حلبی از امام صادق ع: «الإِحْرَامُ مِنْ مَوَاقِيتِ خَمْسَةِ وَقْتِهَا رَسُولُ اللَّهِ لَا يَنْبَغِي لِحَاجٍّ وَلَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يَحْرِمَ قَبْلَهَا وَلَا بَعْدَهَا» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۳۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۱۸؛ طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۵، ص ۲۶۶) مواقیت منحصر در میقات‌های مشخص شده توسط رسول خدا ص است.

به مقتضای اطلاق این روایات، احرام در غیر از میقات‌های پنجگانه و از جمله احرام از محاذات مواقیت، جایز نخواهد بود. گفتنی است، توجه نکردن به این اطلاقات، نیازمند دلیلی قاطع است که موجود نیست.

جواب از این دلیل: بدیهی است که این روایت‌ها وظیفه کسانی را مشخص می‌کند که برای انجام مناسک حج یا عمره، از یکی از میقات‌های پنجگانه عبور کند که باید از آن مواقیت احرام ببندد؛ اما دلالت بر انحصار عبور از این پنج مکان را نمی‌کند. بر فرض اینکه کسی بگوید این روایات مطلق است و ما انحصار می‌فهمیم، می‌گوییم با روایت صفوان بن یحیی تقیید می‌زنیم که از امام رضا علیه السلام گزارش کرده است: «أن رسول الله ﷺ وقت المواقیت لاهلها ولن أتی علیها من غیر أهلها وفيها رخصة لمن كانت به علة». (کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۲۳) از این روایت صحیحه برداشت می‌شود که مواقیت برای مردمان آن میقات‌ها یا افرادی که از آن مواقیت عبور نمایند، اختصاص داده شده است؛ اما افرادی که از راهی بگذرند که اساساً از میقات نگذشته باشند را شامل نمی‌شود. همچنین اگر آن روایات دارای اطلاق باشند، باید بپذیریم که مردمان هر منطقه فقط و منحصرأً از همان میقات خویش احرام ببندند که این نکته نیز با روایت صفوان بن یحیی و سیره همخوانی ندارد.

(ب) انحصار صحیحه عبدالله بن سنان به مسجد شجره

هرچند به استناد صحیحه عبدالله بن سنان، صحت جواز احرام از میقات ذی‌الحلیفه را می‌پذیریم، اما تسری حکم آن به سایر مواقیت پذیرفتنی نیست. در این روایت پنج قید «اقامت»، «مدینه»، «ماه قمری»، «عدم قصد از ابتدا» و «مسجد شجره» وجود دارد. اگر این قیود را قیود احترازی بدانیم، حکم محاذات، تسری به سایر میقات‌ها پیدا نمی‌کند؛ ولی اگر قیود راه، قیود غالبی و از باب مثال بدانیم، حکم به سایر مواقیت سرایت پیدا خواهد کرد؛ برای نمونه، یکی از قیود، ثبوت حکم برای افراد مقیم در مدینه است. پس اگر متوطن باشد، نمی‌تواند از هم‌راستای

شجره محرم شود یا در قید دیگر آمده است که فرد یک ماه در مدینه اقامت داشته باشد و طبیعتاً اگر کمتر از یک ماه باشد، نمی‌تواند از محاذات عبور کند. آن گونه که محقق اردبیلی (اردبیلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۷۸) به عنوان احتمال، صاحب حدائق (بحرانی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۴، ص ۴۵۱) به عنوان اشکال و آیت‌الله خویی (خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۰) به طور قطعی گفته‌اند: «شجره قید موضوع است؛ زیرا اصل در قیود احترازی بودن است؛ خصوصاً با توجه به اینکه احرام از محاذات خلاف قواعد است». بنابراین باید این خصوصیت در ملاک شارع دخالت داشته باشد و موضوع حکم باشد؛ به ویژه با توجه به اینکه قید در کلام سائل نبوده، بلکه در کلام معصوم است. قابل دقت است که صرف احتمال دخالت شجره در موضوع، برای حکم به عدم جواز کافی است؛ در نتیجه احرام از محاذات سایر مواقیت جایز نیست.

احتمال دیگر اینکه حصر، حصر اضافی و نسبی است؛ نه حقیقی. بنابراین عنوان شجره هیچ خصوصیتی ندارد؛ بلکه ذکر شجره از باب غالب است؛ از آن جهت که نوعاً مردم از مسجد شجره محرم می‌شوند و با توجه به اینکه خود حضرت هم مدنی بوده و از فصحا تا اقرب است، حکم ابعاد را بیان نمی‌کنند و با توجه به اینکه مخاطب نیز اهل مدینه است، همگی قرینه‌اند که بیان شجره از باب تغلیب بوده؛ وگرنه خصوصیتی در پی ندارد.

بنابراین، این قیود احترازی نیستند؛ یعنی احتمال داده نمی‌شود که متوطن، یا کسی که ۲۹ روز در مدینه اقامت کرده یا اینکه پس از حرکت به طرف شجره بدا حاصل شده، حق احرام از محاذات را نداشته باشد. بنابراین همان طور که سایر قیود غالبی هستند، قید مسجد شجره نیز احترازی نبوده و بلکه قید غالبی است. نتیجه اینکه قید مسجد شجره ظهور در احترازیت ندارد و اگر هم فی‌الجمله ظهوری داشته باشد، به قرینه وحدت سیاق از این ظهور رفع ید می‌شود و حمل بر قید غالبی می‌شود. همچنین آن گونه که آیت‌الله خویی رحمته‌الله مدعی اختصاص حکم برای میقات شجره

شده‌اند، ثابت نبوده و دارای نقض است؛ چه آنکه در میقات عقیق نیز به استناد صحیحه هشام بن حکم، استحباب بر تفکیک احرام و تلبیه است و مهم‌تر آنکه بین این فارق و جواز احرام از محاذات علاقه‌ای وجود ندارد. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۴، ص ۲۳۵)

همچنین اختصاص حکم محاذات برای آن که قبل از رفتن به مکان محاذی به مدینه آمده باشد، پذیرفتنی نیست؛ زیرا عبور از مدینه موجب تعیین احرام از شجره نخواهد بود و مکلف مختار به احرام از میقات دیگری است. برخی از بزرگان به گونه‌ای دیگر نیز حکم جواز احرام از تمامی میقات‌ها را اثبات کرده‌اند:

آیت الله فیاض بر آن است که متفاهم عرفی از صحیحه عبدالله بن سنان، به تناسب حکم و موضوع، آن است که محاذات تمام موضوع حکم است و عنوان شجره به عنوان یک فرد از موضوع کلی است. (فیاض، ۱۴۱۸ق، ص ۱۰۸ و ۱۰۹)

آیت الله حکیم نیز معتقد است: «صحیحه عبدالله بن سنان دلیل بر جواز احرام از محاذات شجره است و از آن جهت که کسی قائل به تفاوت بین شجره و دیگر مواقیب نیست، بنابراین حکم احرام از محاذات شامل دیگر مواقیب نیز می‌شود». (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۳۷۱)

اما آیت الله محقق داماد از روشی دیگر بهره گرفته است. ایشان می‌گوید: «سیره عامه صحت احرام از محاذات است و اگر این عمل مشروع و مجزی نبود، قطعاً ردع و نهی‌ای از طرف ائمه به ما می‌رسید؛ بنابراین، این خود نشانگر موافقت آنان بر جواز احرام از محاذات است». (محقق داماد، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۱)

شاید بتوان پذیرفت که متفاهم عرفی از روایت به ضمیمه جو فقهی رایج در زمان ائمه علیهم‌السلام که آمده‌اند، محاذات مسجد شجره را فقط بیان نموده‌اند؛ در واقع تطبیق برای کبرای کلی جواز احرام از مواقیب بوده است. پس در غیر مسجد شجره هم به محاذات مواقیب دیگر می‌توان محرم شد.

ج) روایت ابراهیم بن عبدالحمید

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ قَدَّمُوا الْمَدِينَةَ
فَخَافُوا كَثْرَةَ الْبُرْدِ وَكَثْرَةَ الْأَيَّامِ يَعْنِي الْأَحْرَامَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَارَادُوا أَنْ يَأْخُذُوا
مِنْهَا إِلَى ذَاتِ عَرْقٍ (که نزدیک تر به مکه است) فَيَحْرُمُوا مِنْهَا فَقَالَ لَا وَهُوَ
مُغْضَبٌ مَنْ دَخَلَ الْمَدِينَةَ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُحْرِمَ إِلَّا مِنَ الْمَدِينَةِ. (حر عاملی، ۱۴۱۲ق،
ج ۱۱، ص ۳۱۸؛ طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۱۱)

ابراهیم بن عبدالحمید گوید: «از امام کاظم علیه السلام در مورد تکلیف گروهی پرسیدم که وارد مدینه شده و به جهت سرمای زیاد و طولانی شدن ایام، در صورت احرام از شجره، می خواهند از آنجا گذشته و در ذات عرق احرام ببندند». می شود از آنجا احرام بست؟

فرمود: «جایز نیست (درحالی که حضرت غضب آلود بود) فرمود: هرکس داخل مدینه شود، ممکن نیست، مگر اینکه از همان مدینه محرم شود». حضرت می فرماید: کسی که وارد مدینه شده است، حتماً باید از همان جا محرم شود و به ذات عرق نرود (نه به محاذات)؛ خصوصاً که امام علیه السلام این کلام را با عصبانیت بیان فرموده است. (سبزواری، ۲۰۱۶م، ج ۸، ص ۱۱۱)

صاحب حدائق (بحرانی، ۱۳۷۶ش، ج ۴۱، ص ۱۱۳) به روایت ابراهیم بن عبدالحمید، بر عدم جواز عدول از مسجد شجره، استدلال کرده است. جواب این روایت روشن است: اولاً ضعیف است؛ ثانیاً مفروض این روایت آن است که فرد می خواهد از جاده اصلی برود و در آن مسیر که به شجره می رسد، می خواهد به دلیل سردی هوا، به جای مسجد از ذات عرق محرم شود که امام به او اجازه نمی دهد.

د) مرسله عبدالله بن سنان

مرحوم کلینی بعد از نقل صحیح محمد بن سنان مرسله ای را نقل می فرماید: «وفي رواية أخرى يحرم من الشجرة ثم يأخذ أي طريق شاء». (کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۴۵۹)

روایت صراحت دارد که محاذات جایز نیست. در نتیجه نمی توان از محاذات مسجد شجره و به طریق اولی از محاذات سایر میقات ها احرام بست.

صاحب کشف اللثام نیز به این روایت مرسله، بر عدم جواز احرام از محاذات تمسک جسته است. (فاضل هندی، ۱۳۹۳ش، ج ۱، ص ۳۳۱) اما اولاً روایت مرسله است؛ ثانیاً بر فرض که این روایت دلالت بر عدم احرام از محاذات داشته باشد، آن را به دلیل اعراض مشهور کنار می گذاریم؛ ثالثاً به فرموده مرحوم نراقی جواز احرام از محاذات را اصل برائت از لزوم رفتن به میقات ها، نفی حرج در اسلام، به ویژه در مناسک حج و شهرت فراوان فقیهان، پشتیبانی و تأیید می کند. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۳۳) نتیجه اینکه تمام بحث باید حول صحیحه باشد؛ زیرا اگر صحیحه دلالت داشته باشد، در اینجا می توانیم بین روایات جمع دلالی کنیم؛ به این بیان که روایت را حمل بر استحباب می کنیم؛ یعنی کسانی که می توانند به میقات بروند، مستحب است به میقات بروند. حال اگر جمع دلالی را نپذیریم، در مقام تعارض می گوئیم این روایت، مرسله و معرض عنه است و روایت دیگر ضعیف است. بنابراین ترجیح با روایات محاذات است و این روایات قادر به معارضه نیستند.

۲. ادله عامه

میان علمای عامه تنها ابن حزم اندلسی با قول به جواز احرام از محاذات مخالفت کرده و گفته است: «اگر کسی مسیرش از میقات نبود، از هر کجا خواست محرم شود». (ابن حزم، ۲۰۱۰م، ج ۷، ص ۷۱) دلیل ابن حزم این است: کسی که از یکی از مواقیف پنجگانه منصوص عبور نمی کند، داخل در قول پیامبر ﷺ می شود که فرمود: «و من كان دون ذلك فمن حيث انشأ». (همانجا)

این دلیل درست نیست؛ زیرا حدیث قبل از مواقیف را می گوید و کسی که از محاذات مواقیف عبور می کند، دون المواقیف نیست.

ادله قول به تفصیل در احرام از محاذات

۱. ادله امامیه

برخی از فقها می‌فرمایند: از محاذات مسجد شجره را نص داریم و مشهور این است که در محاذات شجره، حتی در صورت عدم عذر هم می‌توان از محاذات آن محرم شد؛ اما نسبت به سایر مواقیت روایت داریم که محاذات مخصوص شجره است و قیودی را حضرت می‌فرماید که خصوصیت و احترازی از آن فهمیده می‌شود. از جمله فقها، محقق اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان می‌فرماید:

احتمال دارد طبق روایت عبد الله بن سنان، حکم به جواز محاذات به کسی اختصاص داشته باشد که داخل مدینه باشد و مجاور در مدینه یک ماه و... در آنجا باشد. بنابراین احرام از سایر مواقیت جایز نیست. (محقق اردبیلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۸۶)

مرحوم صاحب حدائق نیز می‌فرماید:

طبق همان روایت، امام خصوص مسجد شجره را فرموده و مورد روایت مسجد شجره است. پس سرایت حکم به سایر مواقیت خالی از اشکال نیست و نمی‌توان گفت در غیر مسجد شجره محاذات آن مثل مسجد شجره است. (بحرانی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۴، ص ۴۵۲)

مرحوم آیت الله خویی هم در معتمد العروة الوثقی به همان روایت تمسک کرده و فرموده‌اند:

ظاهراً باید به مورد روایت اکتفا کرد؛ چون حکم برخلاف قاعده است و نمی‌توان از آن قیود دست برداشت؛ زیرا تمام آن قیود خصوصیات و ویژگی‌هایی است که امام به نحو قضیه حقیقه بیان فرموده‌اند و بعید است حمل بر مورد مثال بکنیم و بگوییم امام شجره را از باب مثال فرموده است. بنابراین باید به مورد نص، که محاذات مسجد شجره است، اکتفا کنیم و تعدی از آن جایز نیست. (خویی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۷۰)

صاحب مدارک و مرحوم سبزواری در ذخیره نیز، با همین استدلال، قائل اند به اینکه محاذات شجره کافی است؛ اما در غیرش چون حکم خلاف قاعده است، احرام از محاذات کافی نیست. (موسوی عاملی، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۱۹۰؛ سبزواری، ۲۰۱۶، ج ۶، ص ۲۱۸)

۲. ادله عامه

همان گونه که گذشت میان علمای عامه کسی قائل به تفصیل در احرام از محاذات نیست؛ منتهی به گفته ابن حزم اندلسی، کسی که به محاذات احرام رسید، برخی می گویند از همان محاذات محرم شود و گروهی می گویند لازم نیست از محاذات محرم شود. ابن حزم اندلسی می گوید:

فإنه لا يلزمه الإحرام قبل محاذة موضع الميقات ثم اختلف إذا كان محاذة الميقات
فقالت طائفة يلزمه أن يحرم وقال آخرون لا يلزمه.

لازم نیست قبل از محاذات میقات محرم شود؛ اما اختلاف در این است که وقتی به محاذات میقات رسید، طائفه‌ای می گویند لازم است از محاذات محرم شود و طائفه‌ای می گویند لازم نیست. (ابن حزم، ۲۰۱۰، ج ۷، ص ۷۳)

شاید معنای لازم نیست، احرام از ادنی الحل است و در ادنی الحل باید محرم شوند یا عده‌ای می گویند دو مرحله مانده به مکه محرم شود که ادله هر یک در جواز احرام نقل و مورد بررسی قرار گرفت.

تحلیل و جمع بندی ادله

به نظر ما روایت عبدالله بن سنان دلالت بر جواز احرام از محاذات بقیه مواقیب را نیز دارد. در این روایت قیود مختلفی ذکر شده است؛ مانند: «فَإِذَا كَانَ حَدَاءَ الشَّجَرَةِ وَالْبَيْدَاءِ». گاهی از این جهت نگاه می کنیم که میقاتیت دخالت در حکم دارد یا نه که قطعاً دخالت دارد؛ زیرا امام علیه السلام در مقام بیان محاذی میقات است؛ نه محاذی مکان‌های دیگر.

«الشَّجَرَةَ وَالْبَيْدَاءِ» آیا شجره بودن میقات دخالت در حکم دارد یا نه؟ به عبارت دیگر همان طور که موضوع میقات است، آیا شجره هم جزء موضوع است یا نه؟ در این زمینه دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول این است که مرحوم محقق اردبیلی، از باب احتمال، جزماً می فرماید که شجره هم قید موضوع است؛ زیرا اصل در قیود، احترازی بودن است؛ خصوصاً در این بحث که احرام از محاذات خلاف قواعد است. بنابراین باید این خصوصیت دخالت در ملاک شارع داشته باشد و موضوع حکم باشد؛ خصوصاً با توجه به اینکه قید در کلام سائل نیست، بلکه در کلام امام علیه السلام است و صرف احتمال دخالت شجره در موضوع، برای حکم به عدم جواز کافی است. بنابراین محقق اردبیلی فرموده است: «لا احتمال الاختصاص». در نتیجه احرام از محاذات بقیه مواقیت جایز نیست. «لا احتمال اختصاص الحكم بمن دخل المدينة، وجاور فيها شهراً ونحوه، كما هو ظاهرها». (محقق اردبیلی، بی تا، ج ۶، ص ۱۸۶)

احتمال دوم این است که چون نوعاً مردم از مسجد شجره محرم می شوند و از آنجا به مکه می روند و با توجه به اینکه خود حضرت هم مدنی بوده است و انسان فصیح اقرب را رها نمی کند و حکم ابعاد را بیان کند و با توجه به اینکه مخاطب نیز اهل مدینه است، ذکر شجره هیچ خصوصیتی ندارد؛ بلکه ذکر شجره از باب ما هو الغالب است. پس صحیح همان است که امام علیه السلام فرموده «بجواز الاحرام في محاذة مطلق المواقیت».

مرحوم آیت الله خویی رحمته الله می فرماید: تمام پنج قیدی (اقامت، مدینه، ماه قمری، عدم قصد از اول و مسجد شجره) که در این روایت آمده است، احترازی است؛ مثلاً یکی از قیود این است که این برای کسی است که مقیم در مدینه باشد؛ اما اگر متوطن باشد، نمی تواند از محاذات محرم شود. یکی دیگر از قیود این است که فرد یک ماه در مدینه اقامت کرده باشد. به نظر ما بسیار واضح است که این قیود احترازی نیستند؛ یعنی اصلاً احتمال داده نمی شود که متوطن حق احرام از

محاذات را نداشته باشد یا اگر کسی ۲۹ روز در مدینه اقامت کرده باشد، حق احرام از محاذات نداشته باشد؛ بلکه همه این قیود از باب غالبیت است. کما اینکه یکی از قیود این است که بعد از حرکت به طرف مسجد شجره برای فرد بداء حاصل شده است که از محاذات برود. واضح است که این قید احترازی نیست و شامل کسی که از اول اقامت قصد احرام از محاذات را داشته است، شامل می‌شود.

نتیجه اینکه وحدت سیاق در این قیود اقتضا دارد که اگر بقیه قیود احترازی نیستند، قید مسجد شجره هم احترازی نیست و قید غالبی است و اگر هم فی الجمله ظهوری داشته باشد، به قرینه وحدت سیاق از این ظهور رفع ید می‌شود و حمل بر قید غالبی می‌شود.

با توجه به توضیح روایت، دیگر نیازی به تمسک به اصل عدم وجوب رفتن به میقات دیگر نیست؛ کما اینکه تمسک به لاحرج - همچنان که از صاحب ریاض گزارش شده - هم صحیح نیست؛ زیرا مفاد لاحرج این است که رفتن به میقات دیگر واجب نیست؛ اما اثبات نمی‌کند که احرام از محاذی جایز است و جواز، نیاز به دلیل دیگری دارد؛ کما اینکه تمسک به شهرت هم صحیح نیست؛ زیرا امام خمینی علیه السلام هم که شهرت فتوایی را حجت می‌دانند، در فرضی است که هیچ روایتی به عنوان مدرک فتوای اصحاب وجود نداشته باشد. در حالی که صحیحه عبدالله بن سنان وجود دارد.

فهرست منابع

* قرآن

۱. آبی، حسن بن ابی طالب، (۱۴۱۷ق)،
كشف الرموز فى شرح المختصر النافع،
قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة
المدرسين بقم.
۲. ابن اثیر، مبارك بن محمد، (۱۳۷۸)،
النهاية فى غريب الحديث، قم، مؤسسه
مطبوعاتي اسماعيليان.
۳. ابن ادريس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰ق)،
السرائر، قم، جماعة المدرسين فى الحوزة
العلمية بقم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۴. ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم، (۱۴۰۹ق)،
شرح العمدة فى بيان مناسك الحج
والعمرة (شرح العمدة لابن تيمية)،
الرياض، مكتبة الحرمين، چاپ اول.
۵. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على،
(۱۴۰۸ق)، فتح البارى شرح صحيح
البخارى، بيروت، داراحياء التراث العربی.
۶. ابن حزم، على بن احمد، (۲۰۱۰م)،
المحلى بالآثار، بيروت، دارالفكر.
۷. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۸ق)،
الطبقات الكبرى، به كوشش محمد
عبدالقادر، بيروت، دارالكتب العلمية.
۸. ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۳۹۹ق)،
معجم مقاييس اللغة، بيروت، دارالفكر.
۹. ابن قتيبة، عبدالله، (۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م)،
المعارف، به كوشش ثروت عكاشه،
بيروت، بى نا.
۱۰. ابن قدامة، عبدالله بن أحمد، (۱۴۰۵ق)،
المغنى فى فقه الإمام أحمد بن حنبل
الشباني، بيروت، دارالفكر.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۲۰۰۳م)،
لسان العرب، بيروت، دارصادر.
۱۲. بحراني، يوسف بن احمد، (بى تا)،
الحدائق الناضرة فى أحكام العترة
الطاهرة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی
(التابعة لجماعة المدرسين).
۱۳. _____، (بى تا)، الدرر النجفيه،
قم، مؤسسة آل البيت.
۱۴. بخارى، محمد بن إسماعيل، (۱۴۰۱ق)،
صحيح البخارى، بيروت، دارالفكر.
۱۵. بدرالدين عيني، محمود بن احمد، (بى تا)،
عمدة القارى شرح صحيح البخارى،
بيروت، داراحياء التراث العربی.
۱۶. بسام، عبدالله، (۱۴۲۶ق)، تيسير العلام
شرح عمدة الاحكام، قاهرة، مكتبة
التابعين، چاپ دهم.
۱۷. بيهقى، أبوبكر، (۱۴۱۲ق)، معرفة السنن و
الآثار دمشق، بيروت، دارقتيبة، چاپ اول.
۱۸. تبريزى، ميرزا جواد، (۱۳۸۳)، مناسك
الحج، قم، دارالصدیقة الشهيدة.

۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی، (بی تا)، سنن ترمذی، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۰. جوادى آملی، مرتضی، بهار ۱۳۷۴، میقات یا نقطه آغازین سیر الی الله، میقات حج، ش ۱۱.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، قم، آل البیت.
۲۳. حسین عراقی، عبدالرحیم، (۱۹۹۹م)، طرح التریب فی شرح التریب، مکه، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۲۴. حسینی سیستانی، سیدعلی، (۲۰۰۴م)، الفقه للمغترین، بیروت، دارالمؤرخ العربی.
۲۵. حکیم، سیدمحسن، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم، موسسه دارالتفسیر.
۲۶. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، به کوشش گروهی از فضلا، قم، سیدالشهدا.
۲۷. حوزة نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، (۱۳۹۴ش)، حج در آینه فقه، تهران، پژوهشکده حج و زیارت.
۲۸. خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۷ق)، تحریر الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی رحمته الله علیه.
۲۹. _____، (۱۳۹۳)، مناسک حج، تهران، نشر مشعر.
۳۰. خویی، سیدابوالقاسم، (۱۴۲۹ق)، معتمد العروة الوثقی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی رحمته الله علیه، شركة التوحيد للنشر.
۳۱. _____، (۱۴۱۳ق)، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، نجف، مؤسسه الخوئی الإسلامیة.
۳۲. _____، (۱۴۳۰ق)، الرسائل العملية، ایران، قم، بی نا.
۳۳. _____، (بی تا)، کتاب الحج، مؤسسه الإمام الخوئی، بی جا، بی نا.
۳۴. _____، (۱۴۱۶ق)، صراط النجاة، قم، دفتر نشر برگزیده.
۳۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۱)، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۳۶. ذهبی، محمد بن أحمد، (۱۴۱۳ق)، الکاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة، جدة، دارالقبلة للثقافة الاسلامیة، مؤسسه علوم القرآن جدة، چاپ اول.
۳۷. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، (بی تا)، فتح العزیز بشرح الوجیز (الشرح الکبیر)، بیروت، دارالفکر.

۳۸. زمانی، احمد، حج در آینه فقه، (۱۳۸۶)، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، پژوهشکده حج و زیارت.
۳۹. سبزواری، ملا محمدباقر، (۲۰۱۶م)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسة اهل البيت عليه السلام.
۴۰. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵)، من لا یحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. شهید اول، محمد بن مکی، (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم، انتشارات مفید.
۴۲. _____، (۱۴۱۴ق)، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، به کوشش کلاتر، قم، مکتبه الداوری.
۴۴. _____، (۱۴۲۲ق)، حاشیة شرائع الاسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۵. _____، (۱۴۱۶ق)، مسالك الافهام الى تنقیح شرائع الاسلام، قم، معارف اسلامی.
۴۶. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، (۱۳۱۱ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۷. صافی، لطف الله، (۱۳۸۷)، مناسک حج، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۴۸. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم عبدالکریم، (۱۳۸۸)، منتهی الارب فی لغة العرب، تهران، دانشگاه تهران.
۴۹. طباطبائی کربلایی، سید علی بن محمد علی، (۱۳۷۹)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۵۰. طباطبائی یزدی، سید کاظم، (۱۴۱۷)، العروة الوثقی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۰۱ق)، تلخیص الشافی، به اهتمام محمدصادق بن میرابوالقاسم الخوانساری، قم، محبین.
۵۲. _____، (۱۴۰۰ق)، النهایة، بیروت، دارالکتب العربی.
۵۳. _____، (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۲ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، النشر الاسلامی.
۵۵. _____، (۱۴۱۷ق)، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، مؤسسة نشر الفقاهة.

۵۶. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۵ق)،
تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة،
قم، حوزة العلمية قم، مکتب الاعلام
الاسلامی، مرکز النشر.
۵۷. فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۳۹۳)،
کشف اللثام عن قواعد الاحکام، قم،
جامعه مدرسین حوزة علمیه قم، دفتر
انتشارات اسلامی.
۵۸. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)،
مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت،
دار احیاء التراث العربی.
۵۹. فیاض، محمد اسحاق، (۱۴۱۸ق)، تعالیق
مبسوطة علی مناسک الحج، قم، محلاتی.
۶۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب،
(۱۴۱۵ق)، القاموس المحيط، بیروت،
دارالکتب العلمیة.
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۸ق)،
الکافی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۲. محقق داماد، سید محمد، (۱۴۰۵ق)،
کتاب الصلاة، به تقریر محمد مؤمن قمی،
قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة
المدرسین.
۶۳. مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰ق)، سلسله
الینابیع الفقهیة، بیروت، دار احیاء التراث
العربی.
۶۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق
فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (بی تا)،
مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد
الأذهان، قم، جماعة المدرّسین فی الحوزة
العلمیة.
۶۶. موسوی شاهرودی، سید مرتضی،
(۱۴۲۸ق)، جامع الفتاوی مناسک حج
(مطابق با فتاوی ده تن از مراجع تقلید)،
تهران، نشر مشعر، چاپ سوم.
۶۷. موسوی عاملی، سید محمد بن علی،
(بی تا)، مدارک الاحکام فی شرح شرایع
الاسلام، بی جا، مؤسسه آل البيت علیهم السلام
لاحیاء التراث.
۶۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵ق)،
مستند الشیعة فی احکام الشریعة، مشهد،
مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۶۹. وحید خراسانی، حسین، (۱۳۸۶ش)،
مناسک الحج، قم، مؤسسه تحقیقات و
نشر معارف اهل البيت علیهم السلام.